

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱
مقدمه	۳
۱. بیان مسئله	۳
۲. سئوالات تحقیق	۶
۳. فرضیات تحقیق	۷
۴. بررسی منابع	۷
۵. مواد و روش‌ها (روش تحقیق)	۱۱
۶. نتایج مورد انتظار	۱۱
۷. ساختار تحقیق	۱۲
۸. گستره تحقیق	۱۳
۹. مفاهیم مقدماتی پژوهش	۱۴
۹-۱. جامعه جهانی	۱۴
۹-۲. نظم بین‌المللی	۱۵
۹-۳. قواعد آمره و تعهدات عرفی عام‌الشمول	۱۷
۹-۴. جنایات بین‌المللی	۲۳
۹-۵. حقوق بین‌الملل کیفری	۲۹
۹-۶. عدالت کیفری بین‌المللی	۳۱
۹-۷. سیاست جنایی بین‌المللی	۳۴
فصل نخست: شورای امنیت و پیش‌زمینه‌های ورود آن در حوزه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی	۳۹
۱-۱. شورای امنیت	۴۰
۱-۱-۱. ترکیب	۴۰
۱-۱-۲. ساختار و تشکیلات	۴۲
۱-۱-۳. شیوه تصمیم‌گیری	۴۳
۱-۱-۴. حدود اختیارات شورای امنیت	۴۵
۱-۱-۴-۱. اختیارات شورای امنیت در فصل ششم منشور	۴۶
۱-۱-۴-۲. اختیارات شورای امنیت در فصل هفتم منشور	۴۷
۱-۱-۵. اجرای تصمیمات	۵۰
۱-۱-۶. دکترین‌های موجود در زمینه صلاحیت شورای امنیت	۵۲
۱-۱-۶-۱. دکترین اختیارات مصرح شورای امنیت	۵۲
۱-۱-۶-۲. دکترین اختیارات ضمنی شورای امنیت	۵۲

- ۱-۶-۳. دکترین اختیارات غیرمصرح شورای امنیت ۵۳
- ۱-۶-۴. دکترین قانون اساسی بودن منشور و دولت فدرال بودن سازمان ملل متحد ۵۴
- ۱-۶-۵. دکترین اختیارات نامحدود شورای امنیت ۵۵
- ۱-۷-۷. محدودیت‌های شورای امنیت ۵۶
- ۱-۷-۱. منشور ملل متحد ۵۶
- ۱-۷-۲. قواعد آمره ۵۸
- ۱-۷-۳. اساسنامه سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای ۵۹
- ۲-۱. پیش‌زمینه‌های ورود شورای امنیت درحوزه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی ۶۰
- ۱-۲-۱. فروپاشی شوروی سابق (بلوک شرق) ۶۰
- ۲-۲-۱. پیدایش نظم نوین جهانی ۶۱
- ۲-۲-۳. تحوّل مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی ۶۳
- ۲-۲-۴. تحوّل مفهوم حاکمیت دولت‌ها ۶۸
- ۲-۲-۵. تحوّل مفهوم امور داخلی دولت‌ها ۷۵
- ۲-۲-۶. اعتلای جایگاه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ۷۹
- ۲-۲-۱-۱. اعتلای جایگاه حقوق بشر ۷۹
- ۲-۲-۱-۲-۱. مفهوم حقوق بشر ۸۰
- ۲-۲-۱-۲-۲. تحوّل مفهوم حقوق بشر ۸۱
- ۲-۲-۱-۲-۳. اعتلای جایگاه حقوق بشردوستانه ۸۹
- ۲-۲-۱-۲-۴. مفهوم حقوق بشردوستانه ۸۹
- ۲-۲-۱-۲-۵. تحوّل مفهوم حقوق بشردوستانه ۹۲
- ۲-۲-۳-۱. واکنش شورای امنیت به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ۹۹
- ۲-۲-۷. گسترش مخاصمات مسلحانه داخلی ۱۰۷
- ۲-۲-۸. گسترش سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌های جمعی ۱۱۱
- ۲-۲-۹. گسترش کاربرد اصل صلاحیت جهانی ۱۱۳
- ۲-۲-۱-۹-۱. اصول صلاحیت کیفری ۱۱۳
- ۲-۲-۱-۹-۲. گسترش اصل صلاحیت جهانی ۱۱۹
- ۲-۲-۱-۹-۳. صلاحیت جهانی در دادگاه بین‌المللی کیفری ۱۲۴
- ۲-۲-۱۰. تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری ۱۲۸
- ۳-۱. سخن آخر: از تردید تا تأیید ۱۳۷
- فصل دوم: شورای امنیت و مصادیق اجرای عدالت کیفری بین‌المللی** ۱۴۰
- ۱-۲. تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق ۱۴۱
- ۱-۲-۱. آغاز حوادث یوگسلاوی سابق ۱۴۱

- ۲-۱-۲. واکنش شورای امنیت ۱۴۵
- ۳-۱-۲. ایجاد کمیسیون کارشناسان (خبرگان) ۱۴۸
- ۴-۱-۲. تشکیل دیوان یوگسلاوی سابق ۱۵۱
- ۵-۱-۲. نحوه تشکیل دیوان یوگسلاوی سابق ۱۵۴
- ۶-۱-۲. صلاحیت دیوان یوگسلاوی سابق ۱۵۶
- ۲-۲. تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا ۱۵۹
- ۱-۲-۲. حوادث رواندا در دهه ۱۹۹۰ ۱۵۹
- ۲-۲-۲. واکنش شورای امنیت ۱۶۵
- ۳-۲-۲. تشکیل دیوان رواندا ۱۶۶
- ۴-۲-۲. صلاحیت دیوان رواندا ۱۷۲
- ۵-۲-۲. رسیدگی‌های تکمیلی به جنایات ارتكابی در رواندا ۱۷۶
- ۱-۵-۲-۲. رسیدگی در دادگاه‌های داخلی رواندا ۱۷۶
- ۲-۵-۲-۲. رسیدگی در دادگاه‌های گاجاچا (گاکاکا) ۱۷۷
- ۳-۲. مباحث مشترک بین دو دیوان یوگسلاوی سابق و رواندا ۱۷۹
- ۱-۳-۲. مشروعیت تأسیس دیوان‌های یوگسلاوی سابق و رواندا ۱۷۹
- ۱-۱-۳-۲. مشروعیت دیوان‌ها از منظر معاهدات ۱۸۰
- ۱-۱-۳-۲. منشور ملل متحد ۱۸۰
- ۲-۱-۳-۲. معاهده منع و مجازات نسل‌زدایی ۱۹۴۸ ۱۸۵
- ۳-۱-۳-۲. پروتکل اوّل الحاقی به معاهدات ژنو ۱۹۷۷ ۱۸۶
- ۲-۱-۳-۲. مشروعیت دیوان‌ها از منظر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی ۱۸۸
- ۳-۱-۳-۲. مشروعیت دیوان‌ها از منظر رویه قضایی بین‌المللی ۱۹۱
- ۱-۳-۱-۳-۲. مشروعیت دیوان‌ها از منظر رویه قضایی بین‌المللی دیوان یوگسلاوی سابق ۱۹۱
- ۲-۳-۱-۳-۲. مشروعیت دیوان‌ها از منظر رویه قضایی بین‌المللی دیوان رواندا ۱۹۵
- ۴-۱-۳-۲. مشروعیت دیوان‌ها از منظر اندیشمندان حقوق ۱۹۸
- ۲-۳-۲. همکاری دولت‌ها با دیوان‌های یوگسلاوی سابق و رواندا ۲۰۳
- ۳-۳-۲. راهبرد اختتام ۲۱۰
- ۱-۳-۳-۲. راهبرد اختتام در دیوان یوگسلاوی سابق ۲۱۰
- ۲-۳-۳-۲. راهبرد اختتام در دیوان رواندا ۲۱۲
- ۴-۳-۲. مقایسه دو دیوان یوگسلاوی سابق و رواندا ۲۱۴
- ۱-۴-۳-۲. ویژگی‌های دیوان‌های شورای امنیت ۲۱۵
- ۲-۴-۳-۲. شباهت‌های دو دیوان یوگسلاوی سابق و رواندا ۲۱۶
- ۳-۴-۳-۲. تفاوت‌های دو دیوان یوگسلاوی سابق و رواندا ۲۱۸

- ۲-۳-۵. ایرادات دیوان‌های یوگسلاوی سابق و رواندا ۲۲۰
- ۲-۳-۵-۱. تردید در مبنای تأسیس و قانونی بودن دیوان‌ها ۲۲۰
- ۲-۳-۵-۲. وابستگی به شورای امنیت و ضعف استقلال قضایی ۲۲۱
- ۲-۳-۵-۳. عدم توجه به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ۲۲۲
- ۲-۳-۵-۴. عدم توجه مطلوب به حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان ۲۲۳
- ۲-۳-۵-۵. گزینشی بودن ۲۲۳
- ۲-۳-۵-۶. حقوق قابل اعمال و نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ضعف دادرسی منصفانه) ۲۲۴
- ۲-۳-۵-۷. مشترک بودن دادستان و شعبه تجدیدنظر ۲۲۵
- ۲-۳-۵-۸. عدم همکاری مطلوب دولت‌ها ۲۲۶
- ۲-۳-۵-۹. بودجه و منابع مالی محدود از نظر دیوان‌ها و پرهزینه بودن از نگاه سازمان ملل متحد ۲۲۶
- ۲-۳-۵-۱۰. موقتی و اختصاصی بودن ۲۲۷
- ۲-۳-۵-۱۱. صلاحیت زمانی محدود دیوان رواندا ۲۲۷
- ۲-۳-۵-۱۲. عدم برخورداری از سرعت لازم ۲۲۸
- ۲-۳-۵-۱۳. عدم وجود مجازات اعدام در فهرست مجازات‌های قابل اعمال ۲۲۸
- ۲-۳-۵-۱۴. استقرار دادستانی و شعب رسیدگی در ساختمان واحد ۲۲۸
- ۲-۴. تشکیل دادگاه لاکربی (کمپ زیست) ۲۲۹
- ۲-۵. تأسیس دادگاه ویژه سیرالئون ۲۳۵
- ۲-۶. تأسیس شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج ۲۴۰
- ۲-۷. تشکیل هیئت‌های ویژه رسیدگی‌کننده در تیمور شرقی ۲۴۵
- ۲-۸. تأسیس دادگاه‌های جنایات جنگی کوزوو ۲۴۷
- ۲-۹. تشکیل دیوان ویژه عراق (دیوان عالی کیفری عراق) ۲۴۹
- ۲-۱۰. تشکیل دیوان ویژه لبنان ۲۵۷
- ۲-۱۱. مقابله با تروریسم بین‌المللی ۲۶۳
- ۲-۱۱-۱. مفهوم تروریسم بین‌المللی ۲۶۳
- ۲-۱۱-۲. واکنش شورای امنیت به تروریسم بین‌المللی ۲۶۵
- ۲-۱۲. مقابله با دزدی دریایی ۲۷۰
- ۲-۱۲-۱. مفهوم دزدی دریایی ۲۷۰
- ۲-۱۲-۲. واکنش شورای امنیت به دزدی دریایی ۲۷۱
- ۲-۱۳. سخن آخر: از تردید تا تثبیت ۲۷۵
- فصل سوم: ارتباط شورای امنیت و دادگاه بین‌المللی کیفری** ۲۷۷
- ۳-۱. دادگاه بین‌المللی کیفری ۲۷۸
- ۳-۱-۱. صلاحیت موضوعی دادگاه ۲۸۰

۲۸۲ ۱-۱-۳-۳. نسل‌زدایی
۲۸۴ ۲-۱-۳-۳. جنایات علیه بشریت
۲۸۷ ۳-۱-۳-۳. جنایات جنگی
۲۹۲ ۴-۱-۳-۳. جنایت تجاوز
۲۹۲ ۲-۱-۳-۳. صلاحیت شخصی دادگاه
۲۹۳ ۳-۱-۳-۳. صلاحیت زمانی دادگاه
۲۹۶ ۴-۱-۳-۳. صلاحیت مکانی (سرزمینی) دادگاه
۳۰۱ ۶-۱-۳-۳. پیش‌شرط‌های اعمال صلاحیت دادگاه
۳۰۲ ۷-۱-۳-۳. سازوکارهای شروع رسیدگی دادگاه
۳۰۴ ۲-۳-۳. حلقه‌های ارتباطی بین شورای امنیت و دادگاه
۳۱۰ ۱-۲-۳-۳. ارتباط شورای امنیت و دادگاه در زمینه جنایت تجاوز
۳۱۰ ۱-۱-۲-۳-۳. ممنوعیت توسل به زور
۳۱۳ ۲-۱-۲-۳-۳. عمل تجاوز
۳۱۴ ۳-۱-۲-۳-۳. جنایت تجاوز
۳۱۵ ۱-۳-۱-۲-۳-۳. جنایت تجاوز در دیوان‌های نورمبرگ و توکیو
۳۱۵ ۲-۳-۱-۲-۳-۳. جنایت تجاوز در دیوان‌های یوگسلاوی سابق و رواندا
۳۱۶ ۳-۳-۱-۲-۳-۳. جنایت تجاوز در اساسنامه رُم
۳۲۲ ۴-۳-۱-۲-۳-۳. جنایت تجاوز در کنفرانس بازنگری اساسنامه رُم (کامپالا-۲۰۱۰)
۳۲۸ ۴-۱-۲-۳-۳. احراز جنایت تجاوز از سوی شورای امنیت
۳۳۷ ۵-۱-۲-۳-۳. تعارض در احراز جنایت تجاوز
۳۴۰ ۶-۱-۲-۳-۳. جنایت تجاوز و صلاحیت تکمیلی دادگاه
۳۴۱ ۲-۲-۳-۳. ارجاع وضعیتی از سوی شورای امنیت به دادگاه
۳۴۳ ۱-۲-۲-۳-۳. پیشنهاد موضوع
۳۴۶ ۲-۲-۲-۳-۳. مفهوم ارجاع وضعیتی به دادگاه
۳۴۷ ۳-۲-۲-۳-۳. شرایط شکلی و ماهوی ارجاع وضعیتی
۳۴۷ ۱-۳-۲-۲-۳-۳. شرایط شکلی
۳۴۸ ۲-۳-۲-۲-۳-۳. شرایط ماهوی
۳۴۸ ۱-۲-۳-۲-۲-۳-۳. مطابقت با فصل هفتم منشور
۳۵۱ ۲-۲-۳-۲-۲-۳-۳. ارجاع «وضعیتی» نه «پرونده»
۳۵۴ ۳-۲-۳-۲-۲-۳-۳. رعایت محدودیت‌های صلاحیتی دادگاه
۳۵۵ ۴-۲-۲-۳-۳. ارجاع وضعیتی و عضویت در اساسنامه رُم
۳۵۸ ۵-۲-۲-۳-۳. ارجاع وضعیتی و صلاحیت زمانی دادگاه

- ۳۶۱.....ارجاع وضعیّت و کناره‌گیری از اساسنامه رُم..... ۶-۲-۲-۳
- ۳۶۲.....ارجاع وضعیّت و استثناء نمودن جنایات جنگی از صلاحیّت دادگاه توسط دول عضو..... ۷-۲-۲-۳
- ۳۶۳.....ارجاع وضعیّت و اصل نسبی بودن معاهدات..... ۸-۲-۲-۳
- ۳۶۴.....ارجاع وضعیّت و صلاحیّت تکمیلی دادگاه و قابلیت پذیرش پرونده‌ها در آن..... ۹-۲-۲-۳
- ۳۶۸.....ارجاع وضعیّت و ضرورت اخذ مجوز تحقیق از شعبه پیش‌دادرسی..... ۱۰-۲-۲-۳
- ۳۶۹.....ارجاع وضعیّت و استقلال دادستان..... ۱۱-۲-۲-۳
- ۳۷۱.....ارجاع وضعیّت و تأسیس دیوان‌های بین‌المللی کیفری اختصاصی توسط شورای امنیّت..... ۱۲-۲-۲-۳
- ۳۷۳.....مزایا و معایب ارجاع وضعیّت به دادگاه از سوی شورای امنیّت..... ۱۳-۲-۲-۳
- ۳۷۳.....مزایای ارجاع وضعیّت از سوی شورای امنیّت به دادگاه..... ۱-۱۳-۲-۲-۳
- ۳۷۷.....معایب ارجاع وضعیّت از سوی شورای امنیّت به دادگاه..... ۲-۱۳-۲-۲-۳
- ۳۸۱.....تعلیق تحقیق و تعقیب توسط شورای امنیّت..... ۳-۲-۳
- ۳۸۱.....پیشینه موضوع..... ۱-۳-۲-۳
- ۳۸۲.....مفهوم تعلیق تحقیق و تعقیب..... ۲-۳-۲-۳
- ۳۸۳.....مبنای توجیهی ماده ۱۶..... ۳-۳-۲-۳
- ۳۸۷.....شرایط شکلی و ماهوی تعلیق تحقیق و تعقیب..... ۴-۳-۲-۳
- ۳۸۷.....شرایط شکلی..... ۱-۴-۳-۲-۳
- ۳۸۷.....نحوه تعلیق (صدور قطعنامه)..... ۱-۱-۴-۳-۲-۳
- ۳۸۸.....مدّت تعلیق..... ۲-۱-۴-۳-۲-۳
- ۳۸۹.....شرایط ماهوی..... ۲-۴-۳-۲-۳
- ۳۸۹.....مطابقت با فصل هفتم منشور..... ۱-۲-۴-۲-۲-۳
- ۳۹۰.....گستره تعلیق..... ۲-۲-۴-۳-۲-۳
- ۳۹۳.....درخواست نه الزام..... ۳-۲-۴-۳-۲-۳
- ۳۹۴.....ایرادات و انتقادات از ماده ۱۶..... ۵-۳-۲-۳
- ۳۹۵.....افزایش بی‌کیفری یا دیرکیفری..... ۱-۵-۳-۲-۳
- ۳۹۵.....از بین رفتن ادله و از دست خارج شدن مظنونین..... ۲-۵-۳-۲-۳
- ۳۹۶.....گزینشی شدن اجرای عدالت کیفری بین‌المللی..... ۳-۵-۳-۲-۳
- ۳۹۶.....انکار حقوق بزه‌دیدگان و نقض برخی از حقوق مظنونین و متهمان..... ۴-۵-۳-۲-۳
- ۳۹۷.....اخلال در استقلال قضایی دادگاه..... ۵-۵-۳-۲-۳
- ۳۹۹.....صدور قطعنامه‌های ۱۴۲۲ و ۱۴۸۷ بر مبنای ماده ۱۶..... ۶-۳-۲-۳
- ۳۹۹.....مضمون قطعنامه‌های ۱۴۲۲ و ۱۴۸۷..... ۱-۶-۳-۲-۳
- ۴۰۲.....ایرادات قطعنامه‌های ۱۴۲۲ و ۱۴۸۷..... ۲-۶-۳-۲-۳
- ۴۰۳.....عدم رعایت شرایط ماهوی ماده ۱۶..... ۱-۲-۶-۳-۲-۳

..... ۱۶	مغایرت با روح و فلسفه ماده ۱۶	۲-۲-۳-۲-۳-۲-۳	۴۰۴
.....	کلی و عمومی بودن تعلیق تعقیب و تحقیق	۳-۲-۶-۳-۲-۳	۴۰۵
.....	مغایرت با حقوق معاهدات	۴-۲-۶-۳-۲-۳	۴۰۵
.....	مغایرت با اصل تساوی افراد در برابر دادگاه	۵-۲-۶-۳-۲-۳	۴۰۶
.....	الزام دولت‌ها به همکاری با دادگاه توسط شورای امنیت	۴-۲-۳	۴۰۸
.....	مفهوم تعهد به همکاری	۱-۴-۲-۳	۴۰۸
.....	تعهد به همکاری در اساسنامه رُم	۲-۴-۲-۳	۴۱۱
.....	ضمانت اجرای عدم همکاری با دادگاه	۳-۴-۲-۳	۴۱۴
.....	تأمین بودجه دادگاه از سوی سازمان ملل متحد	۵-۲-۳	۴۲۰
.....	ارتباط شورای امنیت با دادگاه و عملیات حفظ صلح	۳-۳	۴۲۲
.....	مزایا و معایب ورود شورای امنیت به عرصه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی	۴-۳	۴۲۴
.....	مزایای ورود شورای امنیت به عرصه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی	۱-۴-۳	۴۲۴
.....	معایب ورود شورای امنیت به عرصه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی	۲-۴-۳	۴۲۶
.....	سخن آخر: از تقابل تا تعامل	۵-۳	۴۲۸
.....	فصل چهارم: بررسی ارجاع وضعیت دارفور سودان و لیبی به دادگاه بین‌المللی کیفری	۴۳۴	
.....	وضعیت دارفور سودان	۱-۴	۴۳۵
.....	شروع بحران دارفور	۱-۱-۴	۴۳۵
.....	واکنش شورای امنیت به بحران دارفور	۲-۱-۴	۴۴۰
.....	تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق	۱-۲-۱-۴	۴۴۱
.....	ارجاع وضعیت به دادگاه بین‌المللی کیفری	۲-۲-۱-۴	۴۴۵
.....	جنایات ارتكابی در دارفور	۳-۱-۴	۴۵۰
.....	نسل‌زدایی	۱-۳-۱-۴	۴۵۰
.....	جنایات علیه بشریت	۲-۳-۱-۴	۴۵۲
.....	جنایات جنگی	۳-۳-۱-۴	۴۵۳
.....	اقدامات دادگاه بین‌المللی کیفری در وضعیت دارفور	۴-۱-۴	۴۵۴
.....	بررسی مقدماتی و آغاز تحقیقات	۱-۴-۱-۴	۴۵۴
.....	طرح پرونده در شعب دادگاه علیه متهمین	۲-۴-۱-۴	۴۵۶
.....	دادستان علیه احمد محمد هارون (احمد هارون) و علی محمد علی عبدالرحمان (علی کوشیب)	۱-۲-۴-۱-۴	۴۵۶
.....			۴۵۶
.....	دادستان علیه عمر حسن احمد البشیر	۲-۲-۴-۱-۴	۴۵۸
.....	دادستان علیه بحر ادريس ابو جَرده (جَرده)	۳-۲-۴-۱-۴	۴۶۰
.....	دادستان علیه عبدالله بنده اباکیر نور عین (بنده) و صالح محمد جربو جاموس (جربو)	۴-۲-۴-۱-۴	۴۶۱

- ۴-۱-۲-۵. دادستان علیه عبدالرحیم محمدحسین (حسین)..... ۴۶۲
- ۴-۱-۵. قرار جلب دادگاه علیه عمر البشیر ۴۶۴
- ۴-۱-۵-۱. صدور قرار جلب ۴۶۴
- ۴-۱-۵-۲. علنی شدن قرار جلب ۴۷۰
- ۴-۱-۵-۳. واکنش دولت‌ها و نهادها به قرار جلب عمر البشیر ۴۷۳
- ۴-۱-۵-۴. مصونیت عمر البشیر ۴۸۲
- ۴-۱-۶. همکاری دولت‌ها و سازمان‌ها با دادگاه در وضعیت دارفور ۴۸۷
- ۴-۱-۷. تعلیق احتمالی وضعیت دارفور ۴۹۲
- ۴-۱-۸. ارزیابی اقدامات دادگاه در وضعیت دارفور ۴۹۶
- ۴-۲. وضعیت لیبی ۴۹۹
- ۴-۲-۱. آغاز حوادث ۴۹۹
- ۴-۲-۲. تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق ۵۰۱
- ۴-۲-۳. واکنش شورای امنیت ۵۰۶
- ۴-۲-۳-۱. ارجاع وضعیت لیبی به دادگاه ۵۰۶
- ۴-۲-۳-۲. صدور مجوز ضمنی مداخله نظامی در لیبی ۵۰۸
- ۴-۲-۳-۳. ایرادات احتمالی ارجاع وضعیت لیبی به دادستان دادگاه ۵۰۹
- ۴-۲-۳-۱. واکنش سریع شورای امنیت ۵۱۰
- ۴-۲-۳-۲. گزینشی بودن ارجاع شورای امنیت ۵۱۱
- ۴-۲-۳-۳. ابزار شدن دادگاه برای اجرای مقاصد اعضای دائم شورای امنیت ۵۱۲
- ۴-۲-۳-۴. ایجاد صلاحیت زمانی محدود برای دادگاه ۵۱۴
- ۴-۲-۳-۵. محدود نمودن صلاحیت موضوعی دادگاه ۵۱۵
- ۴-۲-۳-۶. محدود نمودن صلاحیت شخصی دادگاه ۵۱۷
- ۴-۲-۴. جنایات ارتكابی در وضعیت لیبی ۵۱۹
- ۴-۲-۴-۱. نسل‌زدایی ۵۱۹
- ۴-۲-۴-۲. جنایات علیه بشریت ۵۲۰
- ۴-۲-۴-۳. جنایات جنگی ۵۲۴
- ۴-۲-۵. اقدامات دادگاه بین‌المللی کیفری در وضعیت لیبی ۵۲۵
- ۴-۲-۵-۱. تصمیم به آغاز تحقیقات (۳ مارس ۲۰۱۱) ۵۲۶
- ۴-۲-۵-۲. طرح پرونده در دادگاه علیه مظنونین ۵۲۹
- ۴-۲-۵-۱. دادستان علیه محمد ابومنیار معمر القذافی، سیف‌الاسلام قذافی و عبدالله السنوسی ۵۲۹
- ۴-۲-۵-۳. درخواست صدور قرار جلب علیه مظنونین (۱۶ می ۲۰۱۱) ۵۳۵
- ۴-۲-۵-۴. صدور قرار جلب علیه سه نفر از مظنونین (۲۷ ژوئن ۲۰۱۱) ۵۳۷

۵۴۲ ۵-۵-۲-۴. صدور دستور ختم تحقیقات در مورد معمر قذافی (۲۲ نوامبر ۲۰۱۱)
۵۴۳ ۶-۵-۲-۴. تلاش در جهت تحویل سیف‌الاسلام قذافی و عبدالله السنوسی به دادگاه
۵۴۵ ۷-۵-۲-۴. ارائه گزارش اقدامات به شورای امنیت از سوی دادستان
۵۴۶ ۶-۲-۴. همکاری دولت‌ها و سازمان‌ها با دادگاه در وضعیت لیبی
۵۴۷ ۷-۲-۴. ارزیابی اقدامات دادگاه در رابطه با وضعیت لیبی
۵۵۰ ۳-۴. سخن آخر: از عدالت سیاسی تا سیاست عادلانه
۵۵۲ نتیجه‌گیری
۵۶۵ پیشنهادها
۵۶۷ کتابنامه
۵۹۹ Abstract

پیش‌گفتار

رؤیای دلنشین زیستن بشر در صلح و آرامش، قدمتی به اندازه عمر بشری داشته و همواره صلح به عنوان ارزش والای جامعه بشری محسوب گردیده است. صلحی که در سایه آن سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها تأمین گردیده و رنگی از فجایع ضد بشری و کشتار و خونریزی در آن مشاهده نگردد. در جامعه جهانی نوین نیز صلح همچنان به عنوان ارزش و آرمان اصلی شناخته شده و دستیابی به آن به اهداف بازیگران بین‌المللی و به ویژه سازمان ملل متحد تبدیل گردیده است و به همین دلیل، هدف اصلی از ایجاد این سازمان نیز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد که این وظیفه به یکی از ارکان آن به نام شورای امنیت واگذار گردیده است.

مفهوم صلح و امنیت نیز در گذر زمان گسترش پیدا کرده و معنای نخستین خود را از دست داده است. بدین توضیح که در کنار آروزی داشتن دنیای بدون جنگ و خونریزی (صلح منفی)، آرمان احترام به کرامت ذاتی انسان و تأمین زمینه‌های رفاه، امنیت، آسایش و سعادت وی نیز جزئی از این مفهوم گردیده است (صلح مثبت). با شکل‌گیری و پذیرش مفهومی گسترده و مثبت از صلح و امنیت بین‌المللی که در سایه آن عواملی چون فقر و خشکسالی، تروریسم بین‌المللی، نقض فاحش و گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، مناصمات مسلحانه داخلی، آلودگی شدید و گسترده محیط زیست، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (و به ویژه هسته‌ای)، سرکوب حکومت‌های مردم-سالار و نیز از عوامل تهدید صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند، نقش‌های شورای امنیت نیز متحول گردیده‌اند. به نحوی که به تدریج در کنار نقش و رسالت اصلی آن که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، نقش‌های دیگری نیز برای این مرجع تعریف گردیده است که یکی از آنها «اجرای عدالت کیفری بین‌المللی» است.

در واقع، ظهور و گسترش هنجارهای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و اعتلای آن به جایگاه قواعد امری حقوق بین‌الملل عام منجر به ارتباط عمیق این قواعد با نظم عمومی بین‌المللی گردیده و نقض آنها تهدیدی برای این نظم و بقای جامعه جهانی به شمار می‌آید. به همین دلیل شورای امنیت نقض گسترده، فاحش و سازمان‌یافته این قواعد را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده و از آنجا که بر اساس منشور ملل متحد صلاحیت احراز این امر و اقدام در مورد آن در اختیار این مرجع قرار دارد، با پذیرش مفهوم گسترده و مثبت صلح و امنیت بین‌المللی و تفسیر موسّع گستره اختیارات خود، اجرای عدالت کیفری بین‌المللی را یکی از لوازم اصلی برقراری و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است.

چنین رویکردی به مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی و چنان تفسیری از اختیارات خود باعث شده است که شورای امنیت در موارد و مقاطع مختلفی، اقدامات قابل توجهی را در راستای اجرای عدالت کیفری بین‌المللی انجام دهد که

دامنه آن از محکوم‌سازی صرف این اعمال و تأکید بر مسؤولیت کیفری مرتکبان آنها شروع گردیده و تا ایجاد دیوان-های بین‌المللی کیفری اختصاصی ادامه یافته است. اقداماتی که گاه با تردیدهایی در مشروعیت آنها مواجه گردیده‌اند. در راستای همین رویکرد و چنین تفاسیری است که شورای امنیت گسترش تروریسم و دزدی دریایی را نیز تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و اقداماتی را در این زمینه (با ماهیت کیفری) انجام داده است.

تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری^۱ نیز به نوبه خود زمینه‌ساز تحوّل اساسی در نقش شورای امنیت در عرصه اجرای عدالت کیفری گردیده است. به طوری که دیگر صرف تفاسیر شورای امنیت از منشور نیست که منجر به ورود شورای امنیت در عرصه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی می‌گردد، بلکه دولت‌ها به اختیار خود چنین نقشی را برای شورای امنیت به رسمیت شناخته‌اند. مبنای اعطای چنین اختیاراتی این است که امروزه جنایات داخل در صلاحیت این دادگاه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب گردیده و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی یکی از لوازم ضروری حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. امری که منجر به پیوند عمیق دو مفهوم «صلح» و «عدالت» و در نتیجه ارتباط شورای امنیت و دادگاه بین‌المللی کیفری و تعامل آنها گردیده است.

پژوهش حاضر، با ملاحظه چنین تحوّل است که درصدد بررسی نقش شورای امنیت در حوزه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی برآمده است و سعی بر آن دارد تا با تکیه و استناد به دیدگاه‌های اندیشمندان این حوزه، به تحلیل و ارزیابی این نقش جدید شورای امنیت بپردازد. با این وجود، نویسنده این سطور از پیش بر فقدان اطلاعات و ضعف علمی خویش واقف بوده و بر همین اساس، به صراحت اذعان دارد که اگر حُسنی در این نوشته باشد، از آن صاحبان اندیشه و عالمان این حوزه بوده و اگر قُبُحی باشد، ناشی از خطای این حقیر است. از این روی از تمامی خوانندگان ارجمند این نوشته خواهشمند است که دیدگاه‌های عالمانه خویش را از این بنده حقیر دریغ نفرمایند.^۲

۱. در این نوشته، عبارت «دادگاه بین‌المللی کیفری» به عنوان معادل فارسی «International Criminal Court» انتخاب گردیده و بر سایر معادل‌های فارسی این عبارت مانند «دیوان بین‌المللی کیفری»، «دادگاه کیفری بین‌المللی»، «دیوان کیفری بین‌المللی» و ... ترجیح داده شده است. با این حال، در عنوان پایان‌نامه از عبارت «دیوان بین‌المللی کیفری» استفاده شده است. دلیل این امر تصویب عنوان پایان‌نامه در گروه و عدم امکان تغییر آن بعد از تصویب می‌باشد. همچنین در هر جای این نوشته اگر واژه «دادگاه» به تنهایی به کار رود، منظور همان دادگاه بین‌المللی کیفری است.

۲. خوانندگان ارجمند می‌توانند دیدگاه‌ها، نظرات، انتقادات و پیشنهادهای خود را به نشانی زیر ارسال فرمایند:

۱. بیان مسئله

اجتماع انسانی همواره شاهد جنایات فجیع و شنیع از سوی ناقضان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین-المللی و عدم تعقیب، محاکمه و مجازات آمران و عاملان این اعمال غیرانسانی بوده و هست که این امر، گذشته از انحراف بشر از فطرت و هدف آفرینش، ناشی از «فقدان قانون‌مداری» و در نهایت، «حاکمیت زور» بر نظام بین‌الملل بوده است. این موضوع باعث شده است دولت‌ها در حصار «حاکمیت» و دولت‌مردان در حصار «مصونیت»، خود را پنهان ساخته و از چنگال دستگاه عدالت کیفری جان سالم به در برند. در پی همین امر و با شدت و وسعت گرفتن جنایات بین‌المللی در اثر جنگ‌های بین‌المللی و داخلی در قرن بیستم، این اندیشه قوت گرفت که نقطه پایانی بر این گونه از رفتارهای ضد انسانی نهاده شده و از بی‌کیفری جنایتکاران بین‌المللی جلوگیری گردد. بنابراین، در مقاطع مختلف زمانی این قرن شاهد ظهور عزم بین‌المللی برای اجرای عدالت کیفری هستیم. با این حال، این گام‌ها بسیار لرزان و شکننده بوده و اقدامات موردی و موقت و ناتمام نوانستند مایه عبرت مرتکبان بعدی این جنایات و پیشگیری از تکرار آنها گردند.

با ظهور سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین تحول رخ داده در حقوق بین‌الملل و پیش‌بینی شورای امنیت به عنوان پاسدار اصلی صلح و امنیت بین‌المللی نیز گرچه تصور بر آن بود که دیگر جهان و جهانیان شاهد بلای خانمان سوز جنگ نگردیده و حقوق بشر در تمامی سرزمین‌ها رعایت گردد، ولی طولی نکشید که دوباره بلای جنگ شیوع یافت و این موضوع قرین با یخبندان جنگ سرد گردید و در پی بلوک‌بندی قدرت در شرق و غرب، شورای امنیت به ابزاری برای تأمین منافع قدرت‌های بزرگ تبدیل شد و بیماری مادرزادی حق و توان حیات شایسته را از این نهاد سلب کرد. تا اینکه با فروپاشی بلوک شرق در اواخر دهه هشتاد میلادی، این نهاد توانست رسالت اصلی خویش را در جامعه بین‌المللی بازیافته و با پیوند دادن دو مفهوم «صلح و امنیت بین‌المللی» و «عدالت کیفری بین‌المللی» با یکدیگر، عدم همکاری دولت‌ها در زمینه تعقیب، محاکمه، استرداد و مجازات جنایتکاران و در نتیجه، بی‌کیفری آمران و عاملان نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و صلح بدون عدالت را شکننده و ناپایدار تلقی کند. در این دوره که آن را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ شورای امنیت دانست، با وقوع برخی

از جنایات بین‌المللی (حادثه تروریستی لاکربی)، این نهاد اقدام به صدور قطعنامه‌هایی نموده که در آنها چنین اعمال شنیع و فجیعی محکوم گردیده و کشورها تشویق به محاکمه و مجازات عاملان آنها شده‌اند (محکوم-سازی). به دنبال آن و با وقوع جنایات وحشیانه و غیرانسانی در سرزمین‌های یوگسلاوی سابق و رواندا، شورای امنیت ارتکاب آنها را نیز تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و در اقدامی ابتکاری اقدام به تأسیس دیوان‌های ویژه برای رسیدگی به این جنایات کرده است که این اقدام، موافقان و مخالفانی داشته است (دیوان‌سازی). پس از این نیز شورای امنیت در قطعنامه‌های مختلف بر لزوم تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جرایم و جنایات بین‌المللی اشاره کرده و بی‌کیفری را تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است که این موضوع با حادثه تروریستی مشکوک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شدت بیشتری یافته و از این پس اسناد صادرشده از سوی این نهاد رنگ ضد تروریستی نیز به خود گرفته است. در این سال‌ها شاهد آنیم که در غیاب یک نهاد رسمی و دائمی در جهت اجرای عدالت کیفری بین‌المللی، شورای امنیت خود عهده‌دار اجرای آن در عرصه جهانی گردیده است.

ضرورت وجودی نهاد قدرتمندی چون شورای امنیت برای حمایت از اندیشه عدالت کیفری بین‌المللی و اجرای مؤثر آن به قدری احساس شده و می‌شود که حتی با ظهور «دادگاه بین‌المللی کیفری» در عرصه نظام بین‌المللی برای تعقیب، محاکمه و مجازات آمران و عاملان شدیدترین جنایات بین‌المللی (نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز ارضی) نیز در تدوین اساسنامه این مرجع^۱ و اصلاحات بعدی آن طراحان نتوانسته‌اند از نقش شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی غافل مانده و از قدرت اجرایی این نهاد به نفع عدالت کیفری بین‌المللی بهره‌برداری نکنند. بر این اساس، در ذیل ماده ۵، ماده ۸ مکرر و ماده ۱۵ مکرر دوم این سند - در تعریف و تعیین مصادیق و نحوه احراز جنایت تجاوز- برای این مرجع در احراز این جنایت بین‌المللی اختیارات قابل توجهی در نظر گرفته شده و در ماده ۱۳ نیز برای آن اختیار ارجاع وضعیت‌های در بر دارنده جنایات بین‌المللی به دادگاه تازه تأسیس پیش‌بینی گردیده است. علاوه بر این، در ماده ۱۶ امکان تعلیق تحقیق یا تعقیب دادگاه برای شورای امنیت با شرایط خاصی مقرر شده است. حوزه ارتباطی این دو مرجع بین‌المللی که یکی پاسدار صلح و امنیت و دیگری عهده‌دار عدالت کیفری است، به این

۱. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری به خاطر محل برگزاری کنفرانس در ژنوا ایتالیا به «اساسنامه ژنوا» معروف شده است. در این نوشته هر جا عبارت «اساسنامه ژنوا» به کار رفته باشد، منظور اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری است.

سه مورد محدود نبوده، بلکه در زمینه الزام دولت‌ها به همکاری با دادگاه و تأمین بودجه آن نیز مقرراتی در جهت فراهم‌سازی همکاری هرچه بیشتر آنها وضع گردیده است.

به دنبال این تحولات و با لازم‌الاجراء شدن اساسنامه دادگاه در اوّل جولای ۲۰۰۲ و شروع به کار آن در سال ۲۰۰۳، در پی وقوع برخی جنایات بین‌المللی در دارفور سودان و کشور لیبی، این نهاد در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۱ به ترتیب با صدور قطعنامه‌های ۱۵۹۳ و ۱۹۷۰ از اختیار موجود در ماده ۱۳ استفاده کرده و این دو وضعیت را به دادستان دادگاه جهت تعقیب و تحقیق جنایات ارتكابی ارجاع داده است (ارجاع‌دهی). همچنین این نهاد با استفاده از اختیار برآمده از ماده ۱۶ اساسنامه، طی قطعنامه‌های ۱۴۲۲ و ۱۴۸۷ اقدام به تعلیق پیش-دستانه تحقیق و تعقیب جنایات ارتكابی از سوی نیروهای حافظ صلح دول غیرعضو اساسنامه دادگاه بین-المللی کیفری از سوی دادستان این دادگاه کرده است. علاوه بر این، شورای امنیت در رابطه با همکاری دولت‌ها و سازمان‌ها با این مرجع قضایی و تأمین بودجه آن نیز اقداماتی را انجام داده است.

در کنار موارد اشاره شده، در اثر گسترش نقش شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی، این نهاد در راستای ایفای رسالت اصلی خود (حفظ صلح)، با دبیرکل سازمان ملل متحد برای ایجاد نوعی جدید از دادگاه‌های کیفری موسوم به دادگاه‌های تلفیقی (بین‌المللی شده) همکاری کرده و زمینه تشکیل آنها را فراهم نموده است که در سیرالئون، کامبوج، تیمور شرقی، کوزوو و لبنان مشغول رسیدگی به جنایات ارتكابی می‌باشند (دیوان‌سازی غیرمستقیم).^۱ همچنین با شیوع و گسترش روزافزون دزدی دریایی در برخی مناطق دریایی به ویژه خلیج عدن و سواحل سومالی، شورای امنیت به مقابله با این پدیده از طریق تشویق و ترغیب دولت‌ها به مقابله با این حوادث و تعقیب و محاکمه دزدان دریایی پرداخته است که به نوبه خود تحوّل جدید در اقدامات شورای امنیت محسوب می‌شود.

با ملاحظه مطالب فوق، مشاهده می‌گردد که از اواخر قرن بیستم نقش شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی پررنگ‌تر شده است، به نحوی که می‌توان گفت این نهاد در این دوره از فعالیت خود در راستای ایفای رسالت اصلی خویش (حفظ صلح و امنیت بین‌المللی)، رسالت نوینی را نیز عهده‌دار شده است که از آن می‌توان به «اجرای عدالت کیفری بین‌المللی» تعبیر کرد. امری که موافقان و مخالفانی داشته و با

۱. در کنار این موارد حتی نمی‌توان از نقش شورای امنیت در فراهم‌سازی زمینه تشکیل دادگاه عالی عراق برای محاکمه صدام حسین، دیکتاتور سفاک و بی‌رحم رژیم بعثی عراق و همدستانش غافل ماند.

ایرادات و انتقاداتی روبه‌رو گردیده است. این موضوع سبب شده است که برخی حقوقدانان و نویسندگان، از سیاسی و گزینشی بودن عدالت کیفری بین‌المللی سخن رانده و از عناوینی چون «عدالت کیفری گزینشی»، «عدالت کیفری سیاسی شده»، «عدالت کیفری قدرتمندان»، «دادگاه بین‌المللی آفریقایی» و «عدالت پیروز» برای نشان دادن تمرکز شورای امنیت و دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی کیفری بر جنایات ارتكابی از سوی کشورهای ضعیف و فقیر استفاده کنند.

بررسی علل و ضرورت‌های ورود شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی، مطالعه سیر تکوینی این موضوع، تحول، استمرار و تثبیت نقش این مرجع در این حوزه به اشکال مختلف (از محکوم‌سازی تا دیوان‌سازی مستقیم و غیرمستقیم و از دیوان‌سازی تا ارجاع‌دهی) و استفاده از اختیارات پیش‌بینی شده در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای این مرجع، به ویژه در ارجاع دو وضعیت مورد اشاره (دارفور سودان و لیبی) برای رسیدگی به جنایات ارتكابی از مسائل مهمی است که در این پژوهش از زوایا و دیدگاه‌های مختلف بدان پرداخته خواهد شد.

۲. سئوالات تحقیق

با توجه به مسائلی مطرح شده در بالا، پژوهش حاضر در پی آن است که به سئوالات زیر پاسخ دهد:
سئوال نخست- چه عواملی زمینه‌ساز ورود فعال شورای امنیت به عرصه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی گردیده‌اند؟

سئوال دوم- با توجه به اینکه وظیفه اصلی شورای امنیت، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، آیا می‌توان وظیفه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی را (هر چند به صورت نسبی) نیز به این نهاد واگذار کرد؟
سئوال سوم- با وجود امکان ارجاع وضعیت‌های در بر دارنده جنایات بین‌المللی از سوی شورای امنیت به دادگاه بین‌المللی کیفری، آیا باز هم تأسیس دادگاه‌های موردی از جانب شورای امنیت می‌تواند دارای توجیه حقوقی کافی باشد؟

سئوال چهارم- در صورتی که بین دو رسالت شورای امنیت (حفظ صلح و اجرای عدالت) تعارضی حاصل شود، کدام یک از این دو باید بر دیگری ترجیح داده شود؟ صلح و امنیت یا عدالت؟

سؤال پنجم- در چهارچوب اختیارات حاصل شده از اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای شورای امنیت، آیا این مرجع از ظرفیت‌های موجود در راستای اجرای عدالت کیفری بین‌المللی استفاده کرده است؟

۳. فرضیات تحقیق

فرضیه نخست- گسترش جنایات بین‌المللی در نتیجه ضعف و ناکارآمدی و عدم تمایل نظام‌های حقوقی داخلی در تعقیب و محاکمه جنایتکاران بین‌المللی و خلأ شکلی و ماهوی موجود در حقوق بین‌الملل کیفری، باعث ورود شورای امنیت به این حوزه گردیده است.

فرضیه دوم- با توجه به پیوند بنیادین صلح و امنیت بین‌المللی با عدالت کیفری بین‌المللی و وجود نارسایی‌های بسیار در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری نیاز مبرمی وجود دارد که شورای امنیت در این حوزه نیز نقش فعالی را بر عهده بگیرد.

فرضیه سوم- اختیار ارجاع وضعیّت به دادگاه بین‌المللی کیفری (با توجه به محدودیت صلاحیتی این مرجع) نافی اختیار شورای امنیت در تشکیل دیوان‌های کیفری ویژه نخواهد بود.

فرضیه چهارم- به نظر می‌رسد که در صورت تعارض صلح و امنیت با عدالت - هر چند که صلح پایدار از طریق عدالت کیفری بین‌المللی میسر خواهد بود - صلح و امنیت باید بر عدالت ترجیح داده شود.

فرضیه پنجم- شورای امنیت از اختیارات مزبور برای ارجاع دو وضعیّت منطقه دارفور سودان و کشور لیبی به دادگاه بین‌المللی کیفری استفاده کرده است و در مقابل نیروهای پاسدار صلح را به طور مکرر در قطعنامه‌های صادره، مصون از اعمال صلاحیّت دادگاه بین‌المللی کیفری دانسته است. در مورد تحقیقات و تعقیبات و تأمین بودجه دادگاه نیز تا حدودی توانسته است در افزایش همکاری کشورها و نهادهای بین‌المللی با دادگاه مؤثر باشد.

۴. بررسی منابع

در موضوع مورد مطالعه در این پایان‌نامه تا آنجا که بررسی شده است، تحقیقی که به صورت مستقل به شورای امنیت و نقش آن در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی در ابعاد موردنظر در این پژوهش پرداخته باشد،

صورت نگرفته است. با این وجود، باید خاطرنشان کرد که به صورت جزئی یا غیرمتمرکز تحقیقاتی ارزشمند در این رابطه به عمل آمده است که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱. از مهم‌ترین منابع قابل ذکر که در این پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته است، کتابی است به نام «حقوق کیفری بین‌المللی» که به قلم توانای استاد شهیر حقوق بین‌الملل، مرحوم آنتونیو کاسسه^۱ نوشته شده و توسط سه تن از حقوقدانان ارجمند؛ حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی به فارسی برگردانده شده و از سوی انتشارات جنگل (جاودانه) در سال ۱۳۸۷ برای اولین بار منتشر گردیده است. نویسندگان در این کتاب با بیانی رسا به بررسی سیر تکوینی حقوق بین‌الملل کیفری پرداخته و با نگاهی جامع و بررسی دقیق، نکات ارزشمندی را به خوانندگان ارائه نموده‌اند. با این حال، این کتاب از آنجا که مربوط به کلّ مباحث حقوق بین‌الملل کیفری است، به موضوع مورد مطالعه در این پژوهش به صورت غیرمتمرکز و در بخش‌های مختلف اشاره کرده است که از این حیث فاقد انسجام لازم می‌باشد. ضمن اینکه از انتشار این کتاب چندین سال می‌گذرد که با توجه به پویایی حقوق بین‌الملل کیفری نمی‌تواند بیانگر تمامی تحولات و پیشرفت‌های به دست آمده در این موضوع باشد.

۲. منبع ارزشمند دیگر، کتاب «حقوق بین‌الملل کیفری» نوشته کریانگ ساک کیتی چایساری^۲ است که همانند منبع قبل با نگاهی جامع و بررسی موشکافانه به بحث در موضوعات مربوط به حقوق بین‌الملل کیفری پرداخته است. تجربیات ارزشمند مؤلف در زمینه تدوین اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری نیز بر ارزش اثر مذکور افزوده است. با این حال، این منبع نیز همانند منبع قبل به صورت متمرکز به موضوع این پژوهش نپرداخته و در اثنای بخش‌های مختلف به آن اشاره کرده است. علاوه بر این، این منبع نیز به تحولات جدید صورت گرفته در این حوزه اشاره ننموده است. این کتاب توسط دکتر حسین آقایی جنت‌مکان به زبان فارسی (با اصلاحات و اضافات) ترجمه شده و از سوی انتشارات جنگل (جاودانه) در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. (لازم به ذکر است که ترجمه دیگری نیز از این منبع توسط آقایان محمد اسماعیلی و بهنام یوسفیان صورت گرفته است که چاپ اول آن در سال ۱۳۸۳ از سوی انتشارات سمت منتشر شده است).

1. Antonio Cassese

2. Keryang sak kiti Chisari

۳. از دیگر منابع مهم در این زمینه، کتاب «حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی» است که توسط دو تن از حقوقدانان صاحب‌نام داخلی؛ دکتر جمشید ممتاز و دکتر امیرحسین رنجبریان تألیف گردیده و چاپ سوم آن در زمستان سال ۱۳۸۷ از سوی نشر میزان منتشر شده است. این اثر با تمرکز بر حقوق بشردوستانه (جنایات جنگی)، آن هم در مخاصمات داخلی توانسته است تحولات صورت گرفته در این حوزه را با اشاره به آراء مراجع قضایی به ویژه دیوان‌های بین‌المللی کیفری ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا با نگاهی ظریف و نکته‌سنج بررسی کرده و در نوع خود در میان تألیفات حقوقی داخلی بی‌نظیر گردد. اهمیت این اثر در پژوهش حاضر از آن روست که با توجه به تأکید ویژه نویسندگان به آراء صادر شده از دو مرجع قضایی مذکور (که هر دو از سوی شورای امنیت ایجاد شده‌اند)، بررسی پیشینه و زمینه‌های شکل‌گیری آنها، الزام دولت‌ها به همکاری با این مراجع در انجام رسیدگی‌ها، تحویل متهمان و اجرای احکام صادر شده از سوی آنها می‌تواند توصیفی مناسب از نقش شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی ارائه کند. ضمن اینکه مخاصمات مسلحانه داخلی، حوزه جدید اقدامات شورای امنیت به ویژه در زمینه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی محسوب می‌گردند.

۴. منبع دیگر، کتابی است که تحت عنوان «حقوق بین‌الملل کیفری» توسط دکتر قدرت اله واحدی نگارش یافته و چاپ اول آن در سال ۱۳۸۹ از سوی انتشارات جنگل (جاودانه) منتشر شده است. مؤلف در این کتاب به بررسی موضوعات مطرح در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری پرداخته و در رابطه با موضوع این پایان‌نامه (به ویژه وضعیت دارفور سودان)، گاه به مطالبی مفید اشاره کرده است. با این وجود اثر حاضر فاقد انسجام و تمرکز لازم بر این موضوع بوده و فقط در ذیل سایر مباحث به بحث در این زمینه پرداخته است.

۵. از دیگر منابع موجود در این زمینه، کتابی است به نام «حقوق کیفری بین‌المللی» که توسط دکتر محمدجواد شریعت باقری در قالب مقالاتی چند نگارش یافته و چاپ هشتم آن در سال ۱۳۸۸ از سوی انتشارات جنگل (جاودانه) منتشر شده است. هر چند که در اهمیت مطالب این کتاب - با توجه به اینکه نگارنده محترم آن خود در کنفرانس رُم حضور داشته است - تردیدی نیست، با این حال، این اثر نیز فاقد تمرکز لازم بر موضوع پژوهش حاضر بوده و به فراخور بحث و به صورت پراکنده به این موضوع اشاره کرده است.

۶. از منابع ارزشمند موجود در این حوزه باید از کتاب «صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت» یاد کرد که توسط محقق ارجمند؛ سید حسین سادات میدانی تألیف و چاپ اول آن در سال ۱۳۸۴ از سوی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه به زیور طبع آراسته گردیده است. این اثر با تمرکز بر موضوع شورای امنیت و گسترش حوزه اختیارات و صلاحیت‌های آن در پی تفسیر موسع این نهاد از منشور ملل متحد، بخشی از مباحث خود را به تأسیس دیوان‌های ویژه از سوی شورای امنیت به عنوان رکن فرعی خود برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق و رواندا اختصاص داده است و در کنار آن به اختیارات شورای امنیت در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری نیز با دید انتقادی نگریسته و نکاتی ارزشمند در این زمینه بیان داشته است. با این حال، این اثر به این موضوع به طور اجمالی اشاره کرده و به تحولات نوین صورت گرفته در این حوزه، از جمله ارجاع وضعیت دارفور سودان و لیبی به دادگاه بین‌المللی کیفری از سوی شورای امنیت نیز نپرداخته است.

۷. از دیگر منابع موجود در این زمینه، کتابی است که تحت عنوان «حقوق بین‌الملل کیفری» توسط محقق ارجمند، دکتر بهزاد رضوی فرد در زمینه دو دیوان بین‌المللی کیفری ویژه (یوگسلاوی سابق و رواندا) نگارش یافته است. نویسنده محترم در این اثر کوشیده است با تکیه بر آراء صادر شده از این دو دادگاه به برخی از پرسش‌های مطرح شده در این زمینه پاسخ داده و به زمینه‌های تأسیس این دو دیوان اشاره کند. با این حال، این اثر از زاویه‌ای به موضوع نگریسته است که با زاویه دید این پژوهش تفاوت دارد. از طرف دیگر، «دیوان سازی» فقط بخشی از فرآیند ورود شورای امنیت در حوزه عدالت کیفری بین‌المللی بوده و مؤلف محترم این اثر نیز از پرداختن به سایر حوزه‌های مرتبط به علت تمرکز بر دیوان‌های ویژه خودداری کرده‌اند. این اثر در سال ۱۳۹۰ برای نخستین بار از سوی انتشارات میزان به زیور طبع آراسته شده است.

۸. از دیگر منابعی که تا حدودی به پژوهش مورد نظر در این پایان نامه پرداخته است، مقاله‌ای است که با عنوان «ارجاع جنایت‌های بین‌المللی به دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) توسط شورای امنیت و آثار آن» توسط دو تن از حقوقدانان؛ دکتر مجتبی جانی‌پور و سکینه خانعلی پور و اجارگاه نگارش یافته و در مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز (دوره دوم، شماره دوم، ویژه‌نامه حقوق جزا و جرم‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، چاپ گردیده است. این نوشته نیز با بررسی رابطه شورای امنیت با دادگاه بین‌المللی کیفری از حیث ارجاع جنایت‌های بین‌المللی به این مرجع توانسته است به برخی از مسائل مطرح شده در این زمینه پاسخ گفته و

سؤالات و مسائل جدیدی را مطرح سازد که درخور تأمل می‌باشند. با این حال، این منبع نیز فاقد جامعیت لازم در زمینه نقش شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی است؛ چراکه تنها به بررسی رابطه شورای امنیت با دادگاه بین‌المللی کیفری از حیث ارجاع وضعیت‌های در بر دارنده جنایات بین‌المللی پرداخته و از سایر حوزه‌های دخالت شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی چشم پوشیده است.

۹. منبع دیگر، کتابی است که با عنوان «حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت» توسط دو تن از حقوقدانان ارجمند؛ دکتر رضا موسی‌زاده و ابراهیم کوهی نوشته شده و چاپ اول آن در سال ۱۳۸۹ از سوی انتشارات میزان منتشر گردیده است. اثر مذکور گرچه با نگاهی دقیق و جامع به بررسی ساختار، اختیارات و صلاحیت‌های شورای امنیت پرداخته است، ولی فقط به بررسی شورای امنیت تمرکز کرده و چندان از نقش آن در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی سخن نرانده است.^۱

۵. مواد و روش‌ها (روش تحقیق)

با توجه به ماهیت خاص رشته‌های علوم انسانی به طور عام و ماهیت ویژه رشته حقوق به طور خاص و با ملاحظه موضوع مورد تحقیق در این پژوهش، نوع تحقیق حاضر، بنیادین و نظری بوده و در این راستا از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. شیوه انجام تحقیق نیز کتابخانه‌ای بوده و در پاره‌ای از موارد به رویه عملی نهادهای دخیل در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی نیز اشاره گردیده است.

۶. نتایج مورد انتظار

با انجام این پژوهش، نگارنده در پی این هدف بوده است که به برخی از پرسش‌های اساسی و مورد اختلاف حقوقی مطرح شده در این موضوع، با بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران حقوقی پاسخ داده و با ترسیم فرآیند تدریجی و رو به گسترش دخالت شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی به ارزیابی این فرآیند پرداخته و نقاط قوت و ضعف آن را نمایان ساخته و از این مسیر پیشنهادهای لازم را در جهت سیاست‌زدایی از عرصه عدالت کیفری بین‌المللی و پایان عدالت کیفری گزینشی ارائه کند. علاوه بر این می-

۱. باید توجه داشت که منابع زیادی در رابطه با این موضوع یا برخی از بخش‌های آن وجود دارد که به خاطر پرهیز از طولانی شدن بحث، از آوردن همه آنها خودداری می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به فهرست منابع در انتهای پایان‌نامه مراجعه نمایند.